

## نقش گفتمان سیاست خارجی انقلاب اسلامی در ایجاد

### روابط مجدد ایران با عربستان

امیر حسین میراحمدی<sup>۱</sup>، اکبر اشرفی<sup>۲</sup>،

حبیب‌الله ابوالحسن شیرازی<sup>۳</sup>، رضا جلالی<sup>۴</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۰

**چکیده:** جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به عنوان دو بازیگر اصلی و مؤثر منطقه‌ای، نقش اثرگذاری در مناسبات و تحولات ژئوپلیتیکی خلیج فارس ایفا کرده‌اند و خواهند کرد. در دهه گذشته و به واسطه بسیاری از تحولات سیاسی، روابط این دو بازیگر با چالش‌های جدی روبه‌رو شده و تنش‌های فی‌مابین نقش مخربی در منطقه داشته است. حال پرسشی که به ذهن متبادر می‌شود این است که "گفتمان سیاست خارجی انقلاب اسلامی چگونه در برقراری مجدد روابط ایران و عربستان ایفای نقش کرده است؟" در پاسخ می‌توان این مسئله را مطرح کرد که گفتمان سیاست خارجی انقلاب اسلامی با وجود عناصری همچون: فرهنگ مقاومت، نفی سلطه‌جویی، مردم‌سالاری دینی و روحیه شهادت‌طلبی در گفتمان خود موفق شد عربستان سعودی را پای میز مذاکره بکشاند و عربستان سعودی طبق نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، به جهت جلوگیری از جنگ احتمالی با جمهوری اسلامی که احتمال پیروزی در آن برایش بسیار کم بود، پس از هفت سال و سه ماه قطع روابط و رقم زدن تنش فراگیر و تصاعدیابنده، مجدداً روابط خود با جمهوری اسلامی را از سر گرفت. با بهره از روش تحلیل گفتمان و ابزار کتابخانه‌ای، نظریه واقع‌گرایی تهاجمی می‌تواند در کنار بررسی و استخراج عناصر موجود، در گفتمان سیاست خارجی انقلاب اسلامی تبیین و به آزمون فرضیه کمک کند. هدف این نوشتار بررسی نقش گفتمان سیاست خارجی انقلاب اسلامی، با توجه به عناصری که اشاره شد، در برقراری مجدد رابطه بین جمهوری اسلامی و عربستان سعودی است.

**کلیدواژه‌گان:** سیاست خارجی انقلاب اسلامی، روابط ایران و عربستان، محور مقاومت، نگاه به شرق.

<sup>۱</sup>. دانشجوی دکتری مسائل ایران، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،

ایران. ah.mirahmadi@gmail.com

<sup>۲</sup>. دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسوول)

akbarashrafi552@gmail.com

<sup>۳</sup>. استاد گروه روابط بین‌الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران..

hab-Abolhassanshirazi@iauctb.ac.ir

<sup>۴</sup>. استادیار گروه روابط بین‌الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

rez.jalali@iauctb.ac.ir

## ۱. مقدمه

روابط ایران و عربستان سعودی به ویژه پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، به استثناء دوره‌های کوتاهی، کم و بیش آکنده از تنش و خصومت بوده است. این دو کشور مهم منطقه خلیج فارس همواره در حال تجربه رقابت و رویارویی پنهان و آشکار بوده و هستند.

در گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مانند اکثر کشورهای جهان عوامل متعددی نقش دارد و بر این گفتمان تأثیر می‌گذارد؛ به این معنا که همواره طیف گسترده‌ای از عواملی که بر متغیرهای گوناگون تأثیرگذار است وجود دارد.

در رابطه با موضوع تحقیق حاضر، گفتمان سیاست خارجی انقلاب اسلامی در ایجاد روابط مجدد ایران با عربستان، باید به این نکته توجه داشت که ایران و عربستان همواره در روابط خود دچار افت‌وخیزهایی بوده‌اند.

پس از فروپاشی نظام شاهنشاهی در ایران و پیروزی انقلاب اسلامی، دولت پادشاهی عربستان سعودی با ارسال نامه‌ای به حضرت امام (ره) ضمن تبریک به ایشان اظهار داشت که با تأسیس جمهوری اسلامی هیچ مانعی بر سر همکاری دو کشور به وجود نخواهد آمد. اما عربستان از نفوذ افکار انقلابی جمهوری اسلامی ایران به درون کشورش به‌ویژه در میان شیعیان هراسان شده بود. به همین جهت، پس از شروع جنگ تحمیلی رژیم صدام حسین علیه ایران در سال ۱۳۵۹، عربستان سعودی جانب عراق را گرفت. در سال ۱۳۵۹ کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس پیمان استراتژیکی موسوم به «شورای همکاری خلیج فارس» را تشکیل دادند که هدف از تأسیس آن ایجاد توازن منطقه‌ای در خلیج فارس و مقابله با ایران بود. هدف از تشکیل این شورا جلوگیری از نفوذ گفتمان انقلاب اسلامی به درون کشورهای عضو بود. شورای همکاری خلیج فارس بعد از مدتی از آغاز کار خود، حمایت‌های مالی و تبلیغاتی گسترده‌ای از رژیم صدام حسین به عمل آورد. در سال‌های آخر جنگ، ترس کشورهای عرب حوزه خلیج فارس از پیروزی جمهوری اسلامی ایران باعث شد که این کشورها کلیه امکانات مالی، نفتی، سیاسی و تبلیغاتی خود را در اختیار رژیم عراق قرار دهند. اما شاید شدیدترین و خونبارترین برخورد میان دو کشور در ۳۱ ژوئیه ۱۹۸۷ (۹ مرداد ۱۳۶۶) رخ داد؛ زمانی که نیروهای امنیتی و پلیس ضدشورش سعودی تظاهرات برائت از مشرکین حجاج ایرانی را در مکه به خاک و خون کشیدند و موجب مرگ ۲۷۵ ایرانی و مجروح شدن ۳۰۳ تن دیگر شدند. در پی این واقعه، اعزام حجاج به عربستان برای مدتی متوقف شد.

بعد از حادثه منا در سال ۱۳۶۶ و روی کار آمدن دولت‌های پنجم و ششم در ایران، سیاست دولت وقت به برقراری روابط با عربستان سعودی معطوف شد. دیدار ولیعهد سعودی (امیر عبدالله) با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سنگال و سپس دیداری در حاشیه اجلاس کنفرانس اسلامی در اسلام‌آباد پاکستان، شرکت امیر عبدالله در اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی در تهران و سفر حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی رئیس‌جمهور وقت ایران به عربستان و ملاقات وی با ملک فهد پادشاه وقت عربستان همگی نشانگر آغاز فصلی نوین در روابط دوجانبه این دو کشور بود. گسترش همکاری‌ها در نهایت موجب انعقاد قرارداد امنیتی بین ایران و عربستان در آوریل ۲۰۰۱ گردید. سیر بهبود روابط تا اواسط دهه ۸۰ شمسی مورد پیگیری دولت‌ها بود، اما موارد اختلاف و سوءظن‌ها میان طرفین از بین نرفت.

بعد از انتخاب محمود احمدی‌نژاد به عنوان رئیس‌جمهور، تلاش‌های زیادی توسط دولت‌های نهم و دهم برای تقویت روابط میان دو کشور صورت گرفت؛ اما با توجه به تحولات منطقه خاورمیانه و ناکامی‌های عربستان سعودی در صحنه رقابت با جمهوری اسلامی، روابط فی‌مابین دو کشور به تیرگی گرائید.

سپس رخداد برخی مسائل موجب قطع روابط دو کشور شد؛ به‌ویژه حادثه منا و شهادت تعدادی از حاجیان ایرانی موجب عمیق‌تر شدن شکاف بین دو کشور گردید؛ همچنین تهاجم عربستان به یمن بر این تنش‌ها افزود و در نهایت با اعدام شیخ نمر، گروهی در تهران شب شنبه ۱۲ دی ۹۴ به سفارت عربستان حمله کردند و عربستان سعودی نیز در پاسخ به این عمل روابط خود را با جمهوری اسلامی ایران قطع کرد. اما با وجود این اختلافات عوامل مختلفی در برقراری مجدد روابط ایران و عربستان نقش داشته‌اند که گفتمان سیاست خارجی انقلاب اسلامی ایران نقش عمده‌ای در ایجاد این رابطه مجدد ایفا کرده است که این مقاله به تبیین آن می‌پردازد.

سؤال مطرح شده این است که "گفتمان سیاست خارجی انقلاب اسلامی چگونه در برقراری مجدد روابط ایران و عربستان ایفای نقش کرده است؟" در پاسخ می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که "گفتمان سیاست خارجی انقلاب اسلامی از طریق نفی سلطه بیگانگان، توانمندی‌های نظامی، حمایت از محور مقاومت، مردم‌سالاری دینی و روحیه شهادت‌طلبی در گفتمان خود، در برقراری مجدد روابط ایران و عربستان نقش مهمی ایفا کرده است." روش تحقیق به‌کار

گرفته شده روش تحلیل گفتمان است و ابزار کتابخانه‌ای نظریه‌ی واقع‌گرایی ته‌اجمی می‌تواند در کنار بررسی و استخراج عناصر موجود، در گفتمان سیاست خارجی انقلاب اسلامی تبیین و به آزمون فرضیه کمک کند. هدف این نوشتار بررسی نقش گفتمان سیاست خارجی انقلاب اسلامی در برقراری مجدد رابطه بین دو کشور است.

## ۲- پیشینه تحقیق

۱. کتاب عربستان سعودی و ایران، دوست یا دشمن؟ نوشته بنفشه کی‌نوش و ترجمه شایق حیدری؛ این کتاب داستان مسحورکننده دو کشور گرفتار در تاریخ است که رقابت بین آنها می‌تواند دنیا را به آشوب بکشاند و یا در جهان صلح برقرار کند. این کتاب روابط پیچیده عربستان سعودی و ایران را، نه براساس لفاظی‌های آتشین بلکه با نگاهی واقع‌گرایانه به ریشه‌های مسأله، رمزگشایی می‌کند تا نویدبخش مسیرهای صلح باشد (کی‌نوش، ۱۳۹۶).

۲. کتاب سیاست و حکومت در عربستان سعودی به قلم سید داود آقایی به رشته تحریر در آمده است. این کتاب به مسائل سیاسی و حکومتی کشور عربستان و تحولات و روابط عربستان با کشورهای دیگر پرداخته است (آقایی، ۱۳۹۴).

۳. کتاب سناریوهای آینده عربستان در بازآرایی ژئوپلیتیک مطلوب ایران در منطقه نوشته رحیم ایلغمی سراسکا نرود، سجاد محسنی و سهیل گودرزی به روابط خارجی ایران و عربستان می‌پردازد و آینده روابط سیاسی این دو کشور را بررسی و تحلیل می‌کند (ایلغمی و همکاران، ۱۳۹۸).

۴. مقاله واکاوی روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در دهه نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی نوشته صادق شفیعی، اصغر منتظرالقائم و محمدعلی چلونگر است. این مقاله به علل تیرگی روابط دو کشور بعد از پیروزی انقلاب پرداخته است (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۶).

۵. مقاله تأثیر همگرایی و واگرایی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی بر سیاست خارجی دولت آمریکا در قبال ایران با تأکید بر راهکارهای رسانه‌ای اثر رشید رکابیان و رسول انگزی است. این مقاله به عوامل همگرایی و واگرایی در روابط ایران و عربستان پرداخته است و تأکید مقاله بیشتر بر نقش رسانه در روابط ایران و عربستان است (رکابیان و انگزی، ۱۴۰۰).

۶. مقاله تحلیل روابط ایران و عربستان سعودی از منظر نظریه واقع‌گرایی انگیزشی (۱۳۹۴-۱۳۸۴) به قلم هادی صادقی، جعفر نقدی و امیرهوشنگ میرکوشش پژوهش دیگری در این زمینه است. این پژوهش بر آن است با رویکردی نسبتاً متفاوت در عرصه نظریه‌های روابط بین‌الملل که از آن با عنوان واقع‌گرایی انگیزشی یاد می‌شود، با بررسی روابط دو کشور از آغاز روی کار آمدن احمدی‌نژاد، به بررسی تطبیقی آن با دولت دکتر حسن روحانی بپردازد و این نکته اساسی را مورد آزمون قرار دهد که به رغم تفاوت‌های نسبتاً زیادی که بین سیاست خارجی و منطقه‌ای دولت یازدهم با دولت قبلی وجود داشته و دارد، مشی اعتدال‌گرایی دولت روحانی در گستره سیاست خارجی چه تأثیری بر مناسبات منطقه‌ای ایران و عربستان بر جای گذاشته است و عربستان سعودی چگونه نسبت به این رویکرد، از خود کنش و یا واکنش نشان داده است (صادقی و همکاران، ۱۳۹۴).

۷. مقاله تبیین سناریوهای محتمل پیش رو در روابط ایران و عربستان در بازه زمانی ۱۴۰۸ نوشته بهادر زارعی و سجاد نجفی است. در این مقاله آمده است:

«در این پژوهش در گام نخست با مطالعه اسناد و سوابق علمی پیشین صورت‌پذیرفته مرتبط و با استفاده از نظرات ۱۱ نفر از خبرگان، اقدام به شناسایی پیشران‌ها و عوامل تأثیرگذار در روابط فی‌مابین کرده، با انتخاب تعداد ۹ مورد به عنوان اهداف متصور و همچنین شناسایی مهم‌ترین بازیگران و قدرت‌های تأثیرگذار در منطقه و دخیل در روابط ایران و عربستان، انتخاب تعداد ۹ بازیگر کرده و در انتها با استفاده از نرم‌افزار آینده‌پژوهی مکتور و با به‌کارگیری روش تحلیل ماتریس متقاطع، بازیگران کلیدی منطقه شناسایی شدند.» (زارعی و نجفی، ۱۳۹۹: ۱)

۸. مقاله بررسی رویکردهای سیاسی و رقابت‌جویانه ایران و عربستان و سازوکارهای مهار دشمنی نوشته حسین علایی است. این مقاله با بررسی سیاست راهبردی دو کشور، مسائل سیاسی و اختلافات مهم در روابط بین جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی سعودی، به ارزیابی منافع مشترک و همچنین ارائه سازوکار و شیوه‌هایی برای مصالحه سیاسی و بهبود مناسبات بین دو کشور با تکیه بر اشتراکات و منافع مشترک به جای اصرار بر اختلافات، پیگیری نظام امنیت توافقی یا دسته‌جمعی در خلیج فارس و برقراری روابط سیاسی بین دو کشور از طریق مذاکره پرداخته است (اعلایی، ۱۳۹۷).

۹. پایان‌نامه‌ای با عنوان "رقابت سیاسی ایران و عربستان بر سر تحولات اخیر یمن" به واگرایی و همگرایی میان ایران و عربستان و تحولات سال ۲۰۱۰ پرداخته است (شهبازی، ۱۳۹۴).

۱۰. در پایان‌نامه‌ای با عنوان "بررسی نقش شیعیان عربستان سعودی در روابط ایران و عربستان سعودی و تأثیر آن بر تأمین منافع ملی ایران" آمده است:

«در این پایان‌نامه اشتراکات بالقوه مذهبی و نیز منافع ملی دو کشور ایران و عربستان سعودی با توجه به موقعیت استان شرقی عربستان سعودی بررسی شده است. براساس نتایج این پژوهش، وجود اقلیت شیعه در استان شرقی و نیز نفت‌خیز بودن این ناحیه در کنار لزوم اتخاذ سیاست‌های استراتژیک و در عین حال واقع‌نگرانه از سوی ایران در بحث تأمین منافع ملی با عنایت به سوابق ارتباطات دو کشور به عنوان یک راهبرد جامع، مورد ارزیابی قرار گرفته است.» (حسن بی‌نا، ۱۳۸۹: ۶)

در آثار مذکور به مسائلی چون نقش و گفتمان سیاست خارجی انقلاب اسلامی و مؤلفه‌های این گفتمان: فرهنگ مقاومت، نفی سلطه‌جویی، مردم‌سالاری دینی و روحیه شهادت‌طلبی که موجب شد عربستان با گذشت ۷ سال قطع ارتباط پای میز مذاکره بیاید و روابط خود را مجدداً با جمهوری اسلامی ایران برقرار کند، اشاره‌ای نشده است.

در این مقاله به توافق میان ایران و عربستان در تاریخ ۱۹ اسفند ۱۴۰۱ پرداخته شده است؛ توافقی که سایه جنگ احتمالی میان دو کشور را دور ساخت و باعث برقراری امنیت بیشتر در منطقه شد.

### ۳- چارچوب نظری

نواقع‌گرایی تهاجمی توسط نظریه‌پردازانی چون جان مرشایمر، اریک لیس و فرید ذکریا ساخته و پرداخته شده است. با این حال مشهورترین نواقع‌گرای تهاجمی جان مرشایمر است که این نظریه را در کتاب تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ در سال ۲۰۰۱ تدوین و ارائه کرده است.

جان مرشایمر در نظریه واقع‌گرایی تهاجمی معتقد است که آنارشی نظام جهانی باعث رفتار تهاجمی دولت‌ها در سیاست بین‌الملل است تا به وسیله اقتدار و هژمونی بتوانند امنیت خود

را تأمین کنند.

طبق نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، احتمال وقوع جنگ همواره بین کشورها وجود دارد و تنها قدرت است که می‌تواند از خطر وقوع جنگ توسط حریف جلوگیری نماید و در صورت جنگ احتمالی مانع شکست در آن شود.

جان مرشایمر معتقد است برای دولت‌ها قدرت نسبی از اهمیت بیشتری برخوردار است و نه قدرت مطلق. او معتقد است رهبران کشورها باید از آن دسته سیاست‌های امنیتی پیروی کنند که دشمنان بالقوه آنان را تضعیف کند و قدرت آنان را نسبت به بقیه کشورها افزایش دهد (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۷۰).

با توجه به مطالب اشاره شده، در گفتمان سیاست خارجی انقلاب اسلامی مسئله قدرت حائز اهمیت است و طبق نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، عربستان به این نتیجه رسیده است که برقراری روابط به نفع این کشور است؛ چون در صورت وقوع جنگ احتمالی امکان پیروزی عربستان در این جنگ بسیار کم است.

در مقاله پیش رو از نظریه واقع‌گرایی تهاجمی استفاده شده است، زیرا رفتار عربستان بعد از ۷ سال و ۳ ماه تنش با ایران نشان داد دیگر توان رویارویی با جمهوری اسلامی را ندارد؛ زیرا این کشور در عرصه‌های مختلف نیابتی با هزینه‌کرد زیاد مغلوب سیاست‌های میدانی جمهوری اسلامی شده است و اگر این وضع ادامه پیدا کند امکان رویارویی مستقیم وجود دارد که از توان عربستان خارج است. لذا با تغییر رفتار خود پای میز مذاکره آمد.

در این مقاله چگونگی کاربست چارچوب نظری در ذیل مؤلفه‌های سیاست خارجی گفتمان انقلاب اسلامی و نتیجه‌گیری آمده است.

#### ۴- روش پژوهش

گفتمان: گفتمان از نیمه دوم قرن بیستم وارد ادبیات علوم انسانی شد. میشکل فوکو معتقد است که گفتمان‌ها «اعمالی هستند که به‌طور سیستماتیک، شکل‌دهنده موضوعاتی هستند که خود سخن می‌گویند... گفتمان‌ها درباره موضوعات صحبت نکرده و هویت موضوعات را تعیین نمی‌کنند. آن‌ها سازنده موضوعات بوده و در فرایند این سازندگی، مداخله خود را پنهان می‌دارند» (تاجیک، ۱۳۷۷: ۱۵). فوکو گفتمان را در معنای جدید، دربرگیرنده نشانه‌های

زبان‌شناسانه (گفتاری - نوشتاری) و نیز غیرزبان‌شناسانه (رفتاری - روانی) می‌گیرد که نه تنها زبان، بلکه کل حوزه اجتماعی انسان را نیز دربر می‌گیرد و افزون بر تولید نظامی از حقیقت، آن را بر سوژه تحمیل می‌کند (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۳). تحلیل گفتمان شیوه پژوهشی فوکو است که او طی کارهای خود، دیرینه‌شناسی و تبارشناسی، از آن برای تحلیل تاریخی و تغییر و تحولات واژگان در طول زمان استفاده می‌کند. در دیرینه‌شناسی فوکو گامی جهت شناخت تحول مفاهیم بر می‌دارد، به گونه‌ای که دریدن حجاب مفاهیم و دستیابی به گوهر عمیق آن می‌تواند چگونگی تحول مفاهیم را بنمایاند. تبارشناسی تاریخ حال است که به منظور کشف و یافتن الهام و بینش یا تفکری برای امروز به گذشته می‌نگرد (توحیدفام، ۱۳۸۱: ۲۸). در مقاله پیش رو سعی شده است با روش تحلیل گفتمان فوکو عناصر موجود در گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را که برگرفته از گفتمان انقلاب اسلامی بوده و باعث پیروزی‌های متعدد در عرصه جهانی و منطقه‌ای، به‌خصوص برقراری مجدد رابطه با عربستان شده است مورد بررسی قرار دهیم.

## ۵- گفتمان سیاست خارجی انقلاب اسلامی

### ۵-۱- قدرت نرم انقلاب اسلامی

جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود، گفتمان انقلاب اسلامی را پیگیری کرد شامل آگاهی‌بخشی، هویت اسلامی و بیداری اسلامی که مجموع این عوامل موجب تولید قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی شد.

انقلاب اسلامی به عنوان نمونه‌ای تازه از نظام حکومتی در چشم‌انداز جهانی که از سرچشمه زلال اسلام ناب نشأت گرفته بود، توانست در زمانی کوتاه مرزهای محدود جغرافیایی را درنوردد و پیام اصلی خود را که همانا مبارزه با ظلم و ستم و برپایی حکومتی عادلانه بود، به دورترین نقاط جهان برساند. از دیگر سو، انقلاب اسلامی با شکستن انحصارگرایی در عرصه روابط بین‌الملل و برهم زدن معادلات جهانی و منطقه‌ای توانست اعتماد به نفس را در مسلمانان تقویت کند و با شالوده‌ریزی نظم بین‌الملل، فارغ از سلطه قدرت‌های استکباری، براساس سیاست «نه شرقی، نه غربی» بارقه امید را در دل میلیون‌ها مسلمان و مستضعف جهان بیدار نگه دارد. انقلاب اسلامی ایران را می‌توان تجلی تحقق قدرت نرم به معنای



توانایی نفوذ در رفتار دیگران، بدون تهدید و یا پرداخت هزینه محسوس به شمار آورد (Rubin, 2010:12). بعد از پیروزی انقلاب اسلامی قدرت نرم انقلاب به یک عامل مورد توجه و بااهمیت در منطقه و جهان تبدیل شد. از عوامل این قدرت نرم می‌توان به ترویج و گسترش ارزش‌ها، هنجارها و عوامل فرهنگی اشاره کرد. تمام این عوامل براساس قالب گفتمان انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته و آثار و پیامدهای خود را از همان ابتدا در سطح منطقه‌ای و جهانی به‌خصوص در جنبش‌های آزادی‌بخش نمایان کرده‌اند (متقی و رشاد، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

بهره‌گیری انقلاب اسلامی از جذابیت پیام برای ایجاد اشتراک بین ارزش‌های اسلامی، استقلالی و ضداستکباری، ترغیب مسلمانان و ملت‌های جهان سوم به همکاری و تشریک مساعی برای دستیابی به هدف مشترک و تبیین فرهنگ و ارزش‌های انقلابی و الگوی توسعه بومی و درون‌زا حکایت از جذابیت اندیشه انقلاب اسلامی در صحنه بین‌المللی داشت، به گونه‌ای که توانست بدون مجبور کردن مردم به تغییر رفتار از طریق تهدید و یا پرداخت هزینه، آنان را برای کسب نتیجه دلخواه و مطلوب جلب و جذب نماید (فارس، ۱۳۸۷: خشت آخر).

از این جهت، هویت‌گرایی اسلامی را می‌توان انعکاس انقلاب اسلامی در محیط خاورمیانه و شمال آفریقا دانست. مهم‌ترین کانون تولید قدرت نرم در انقلاب اسلامی (که نمود آن را در بسیج یکپارچه سیاسی مردم و طبقات اجتماعی مختلف می‌توان مشاهده نمود) دین و آموزه‌های دینی بود که با ابتکارات خاص و خلاقیت‌های برجسته امام خمینی (ره) به‌عنوان موتور محرک انقلاب به‌کار گرفته شد. البته روح حاکم بر اندیشه‌ها و دستورات اسلام روح جمعی است که در بطن خود تضمین‌کننده و در بردارنده وحدت و یکپارچگی مسلمانان است. در پرتو آموزه‌های وحدت‌بخش اسلامی و رهبری هدایت‌گرانه امام خمینی (ره) بود که روح تفرد و فردگرایی منفی حاکم بر ایران جای خود را به بسیج سیاسی یکپارچه و روح جمعی داد (محمدی، ۱۳۸۹: ۲۹-۳۰). به همین جهت خیلی از مؤلفه‌های انقلاب اسلامی با دارا بودن قدرت اقناع‌گری و انگیزشی قوی و توانایی بالقوه بسیج مردمی در مقابل فرهنگ غربی موجب شد تا قدرت نرم انقلاب اسلامی تأثیرگذاری بالایی در محیط منطقه‌ای در ارتباط با کشورهای اسلامی داشته باشد.

عنصر بیدارسازی و آگاهی‌بخشی که یکی از مهم‌ترین عناصر رسالت انبیای الهی و معصومین (ع) با هدف تأمین سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها بوده و در سیره عملی امام خمینی (ره) نیز همواره وجود داشت بسترساز شکل‌گیری کانون امام خمینی و حرکت محرومان، مستضعفان و مسلمانان بوده است که به نوبه خود به بازآفرینی ابعاد از قدرت نرم کمک کرده است. امام خمینی (ره) که ریشه عقب‌ماندگی ملت‌ها و مسلمانان را در غفلت، بی‌تفاوتی و از خودبیگانگی آنها و غفلت تحمیل شده از سوی قدرت‌های سلطه‌گر از یک سو و عوامل داخلی آنها از سوی دیگر می‌دانستند، تمام هم خود را مصروف آگاهی‌بخشی، الهام و حرکت ملت‌ها نمودند (محمدی، ۱۳۸۹: ۲۷). در نتیجه، قدرت نرم انقلاب اسلامی باعث ایجاد اعتمادبه‌نفس و روح خودباوری به عنوان مهم‌ترین عنصر هویت‌ساز فرهنگی در جوامع اسلامی شد و همین مسئله موجب شد تا عربستان به اهداف خود در منطقه دست پیدا نکند و بعد از ۸ سال جنگ در یمن و علی‌رغم حمایت‌های زیاد از مخالفان حکومت بشار اسد، در مقابل ایران با شکست مواجه گردد. طبق نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، عربستان فهمید که در صورت تقابل میان دو کشور اقبالی برای پیروزی در مقابل ایران ندارد؛ لذا این عامل یکی از مؤلفه‌هایی بود که باعث شد عربستان پای میز مذاکره بیاید. از منظر فوکو در دیرینه‌شناسی، انقلاب اسلامی موجب تحول در معنای روح خودباوری شد و با ایجاد اعتمادبه‌نفس و ایمان به خدا در میان نیروهای انقلابی موجب پیروزی آنان شد.

## ۵-۲- محور مقاومت

ایجاد محور مقاومت در منطقه خاورمیانه را می‌توان انعکاس آثار و نتایج هنجاری انقلاب اسلامی دانست. در واقع انقلاب اسلامی از سایر انقلاب‌های بعد از جنگ جهانی دوم متفاوت است، زیرا شاخص‌های هویتی و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی ایران در فضای اجتماعی خاورمیانه دارای جاذبه سیاسی و کارکرد هستند که این امر حرکت مؤثر سیاست خارجی ایران در خاورمیانه را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. در این ارتباط، پیوند مؤلفه‌های هویتی، ژئوپلیتیکی و سیاسی در فضای انقلابی را باید اصلی‌ترین عامل شکل‌گیری زیرساخت‌های مقاومت در سیاست خارجی ایران دانست (متقی، ۱۳۸۹: ۱۸۱-۱۸۰).

امام خمینی (ره) در وصیتنامه سیاسی - الهی خود به صراحت بر این نکته تأکید داشته‌اند که

«نباید شک کرد که انقلاب اسلامی از همه انقلاب‌ها جداست، هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام.» (آیت‌الله خمینی، ۱۳۶۸: ۴۰۲)

جمهوری اسلامی ایران به عنوان اصلی‌ترین رکن محور مقاومت در طول سالیان سال همواره در خط مقدم مقابله با سلطه‌گری آمریکا و مقابله با تجاوزگری و توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی و یاری و کمک به ملت‌های مظلوم منطقه، برای رهایی از ظلم و ستم بوده است و هر روز نیز بر توان بازدارندگی خود و یاری رساندن به اعضای محور مقاومت افزوده است. هرچند محور صهیونیستی - آمریکایی و عربی در طول سال‌های گذشته توطئه‌های مختلفی علیه ایران برای رسیدن به مقاصد خود و خاموش کردن شعله مقاومت در منطقه انجام داده‌اند، در این راه در سایه مقاومت ملت ایران شکست خورده‌اند که آخرین نمونه آن شکست آمریکا و هم‌پیمانانش در به اصطلاح فشار حداکثری و اعمال تحریم‌ها علیه ایران و آن هم به اذعان خود مقامات آمریکایی بوده است. در مقابل نیز ایران بر توان و بازدارندگی خود در سطح نظامی و امنیتی در منطقه افزوده است و همین امر باعث شده که هیچ‌کس در اندیشه تعرض به ایران برنیاید (نصرالله ایرنا، ۱۴۰۰). علائم زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد نظم کنونی جهان در حال تغییر است و نظم جدیدی بر جهان حاکم خواهد شد... فکر مقاومت و جبهه مقاومت در مقابل زورگویی گسترش خواهد یافت، که مبتکرش جمهوری اسلامی است (آیت‌الله خامنه‌ای، وبگاه خامنه‌ای: ۱۴۰۱). به همین جهت، سیاست صدور انقلاب به کشورهای جهان، به خصوص کشورهای منطقه گسترده‌تر شد، تا جایی که حزب‌الله در لبنان، انصارالله در یمن، حماس در فلسطین و حشدالشعبی در عراق تقویت و به قدرت‌های بزرگ در منطقه و کشورهای خود تبدیل شدند.

در مجموع قدرت محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران موجب شد تا عربستان نسبت به آن احساس وحشت کرده و نگران از حمله احتمالی باشد. طبق نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، عربستان خود را بازنده این میدان می‌دید و می‌دانست که توان رویارویی با ایران و محور مقاومت را ندارد؛ به همین دلیل، پای میز مذاکره آمد. با توجه به نظریه گفتمان فوکو، بعد از انقلاب اسلامی، مقاومت به عنوان یک دال مرکزی برای جنبش‌های منطقه‌ای و جنبش‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان قرار گرفت.

۵-۲-۱- روحیه شهادت‌طلبی: روحیه شهادت‌طلبی یکی از اصلی‌ترین منابع فرهنگ مقاومت

در میان جنبش‌های اسلامی است. از لحاظ تاریخی و تبارشناسانه، این فرهنگ ملهم از آموزه‌های شیعه و نهضت عاشورا است. با بررسی آیه‌های قرآن کریم به این نتیجه می‌رسیم که روحیه شهادت‌طلبی یک ارزش بوده و فرهنگ آن در افراد و جامعه اسلامی است. در اثبات این ادعا، آیه ۲۳ سوره احزاب می‌فرماید: *مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَجْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا* (در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهده‌ای که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و شهید شدند) و بعضی دیگر در انتظارند و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود نداده‌اند). به همین جهت، روحیه جهاد و شهادت ایجادکننده قدرت نرم و بالندگی و بازدارندگی در مقابل دشمنان است. ایثار و شهادت‌طلبی یک فرهنگ است که دارای پایه‌های اعتقادی- معرفتی، ارزشی و رفتاری و آثار تمدنی است. در جامعه توحیدی- اسلامی با تحقق فرایند معرفتی- تربیتی متأثر از فرهنگ شهادت‌طلبی، نشاط و همبستگی اجتماعی برای تحقق آرمان‌های الهی شکل می‌گیرد و سرعت و سبقت به سوی خیر و آثار ارزشی آن در بین آحاد جامعه نهادینه می‌شود و متعاقب آن سرمایه اجتماعی در جامعه شکل می‌گیرد.

در حقیقت مردمان جامعه‌ای که از مرگ نترسند در برابر هر قدرت زورگو و متجاوز ایستادگی می‌کنند و اگر در این راه بمیرند پیروز هستند و اگر زنده بمانند دشمن را مغلوب می‌کنند (عسگری و آقاجانی، ۱۳۹۱: ۹۳). نمود بارز چنین روحیه‌ای را می‌توان در دوره جنگ تحمیلی ملاحظه کرد.

جیمز بیل در مقاله «جنگ، انقلاب و روحیه. قدرت ایران در جنگ خلیج فارس» با اشاره به بحث جهاد و شهادت می‌نویسد:

«خمیرمایه روحیه بالا که پشتوانه تلاش‌های جنگی ایران است. در مفاهیم جهاد و شهادت نهفته است.» (بیل، ۱۳۶۷: ۴۲۰)

### ۵-۳- نفی سلطه‌جویی

در فصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (سیاست خارجی)، ذیل اصل یکصد و پنجاه و دوم آمده است:

«سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری،

حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همهٔ مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحراب استوار است.» (خاتمی، ۱۳۸۰: ۶۲).

علاوه بر این اصل، اصول دیگری نیز در راستای همین اهداف و مبانی وجود دارند که به ذهنیت و تفکر نخبگان فعال در عرصهٔ سیاست خارجی سمت‌وسو می‌دهند. «باتوجه به قانون اساسی و عملکرد ایران، اهداف کلان [آن] را می‌توان در سه دسته تقسیم‌بندی کرد:

الف) رشد و توسعهٔ اقتصادی، حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت ملی؛

ب) دفاع از مسلمانان و نهضت‌های آزادی‌بخش و تعارض با اسرائیل و غرب (به‌خصوص آمریکا)؛

ج) استقرار یک جامعهٔ اسلامی براساس مبانی شیعی» (سریع‌القلم، ۱۳۷۹: ۴۹)

جمهوری اسلامی با الهام از قاعدهٔ نفی سبیل که یکی از منابع مهم انقلاب اسلامی است، هرگونه سیاست سلطه‌گری توسط قدرت‌های سلطه‌گر را محکوم به شکست کرده است. قاعدهٔ «نفی سبیل» در مشار قواعد مهم فقه اسلامی جای دارد و می‌توان گفت زیر بنای سیاست خارجی جمهوری اسلامی است. نماد قاعدهٔ نفی سبیل در تمامی حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی قابل مشاهده است. قاعدهٔ نفی سبیل از آیهٔ ۱۴۱ سورهٔ نساء برگرفته شده است. در این آیه آمده است:

«و لن يجعل الله للکافرين على المؤمنين سبيلا»

خداوند (در عالم تشریح) هیچ راهی برای تسلط کافران بر مسلمانان قرار نداده است (ابولفضل، ۱۳۷۹: ۹)

اگر بخواهیم نفی سلطه‌جویی را با شرایط تاریخی و اجتماعی ایران پس از انقلاب اسلامی منطبق کنیم، می‌توانیم از آن به یک سیاست خارجی انقلابی و در عین حال یک سیاست خواهان ثبات‌سازی تعبیر کنیم. این ویژگی در واقع مکمل، موضوعی است که نیاز به تبیین با زبانی بین‌المللی دارد. ایران انقلابی از سویی هیچ‌گاه زورگویی و سلطه‌جویی در نظام جهانی و مناسبات هژمونیک مرکز و پیرامون (و نیمه‌پیرامون) را به رسمیت نشناخته و بارها اعلام کرده است بازگشت به مناسبات پیش از انقلاب ایران با نظام سلطه امکان‌پذیر نیست و لذا

مخالف هرگونه حضور یا دخالت نیروهای خارجی در منطقه بوده است. از سوی دیگر نیز جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر لزوم حفظ ثبات در منطقه و پرهیز از اقدامات تند نظامی یا اقدامات براندازی و تغییر رژیم، خود نیز هیچ‌گاه به دنبال تبدیل به یک هژمونی جدید یا سلطه‌جویی در قبال کشورهای دیگر منطقه و در نهایت جاننشینی نظام سلطه در ساختار بین‌الملل نبوده و نیست و هیچ‌گاه سیاست‌های نظامی تهاجمی و بی‌ثبات‌ساز را در منطقه و جهان دنبال نکرده است (میریوسفی، ایرنا، ۱۳۹۴).

جوزف نای در توصیف این وجه از قدرت ایران می‌گوید:

«ایران به نماد استقلال تبدیل شده است و ارزش‌های مردم خود را ترویج می‌کند که مورد احترام بقیه قرار می‌گیرد» (نای، ۸۹/۱۱/۱۱).

جمهوری اسلامی ایران سیاست عملی نفی سلطه‌جویی را به قدرت‌های بزرگ در منطقه به طور کامل نشان داده است که می‌توان به عنوان نمونه به ساقط کردن پهادهای آمریکایی، زدن پایگاه عین‌الاسد در عراق، توقیف کشتی‌های آمریکایی و انگلیسی و... اشاره کرد. این نفی سلطه‌جویی که موجب تولید قدرت برای جمهوری اسلامی شده است به عربستان فهماند که جمهوری اسلامی سلطه‌پذیر نبوده و با هر کشوری که بخواهد سلطه خود را به جمهوری اسلامی ایران تحمیل کند و یا با قدرت‌های سلطه‌گر از در دوستی در بیاید برخورد قاطع می‌کند. با توجه به نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، این مسئله موجب شد تا عربستان از گسترده شدن جنگ نیابتی با ایران و حتی احتمال جنگ مستقیم پرهیز کرده و به مذاکره تن بدهد. با نگاهی به نظریه گفتار فوکو درمی‌یابیم که نفی سلطه‌جویی از بعد از انقلاب اسلامی با ایفای معنای جدید در گفتار انقلاب اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی به عنوان یک دال نمایان شده است.

#### ۵-۴- مردم‌سالاری دینی

واژه "مردم‌سالاری دینی" اصطلاح تازه‌ای در گفتار سیاسی دنیاست که برخلاف واژه‌هایی چون جمهوری اسلامی، پارلمان اسلامی و... که همگی ترکیب‌هایی از یک مفهوم غربی به‌علاوه یک قید اسلامی هستند، در بستر مبانی اسلام و متأثر از آموزه‌های نبوی و علوی برآن است تا ضمن پاسداشت حقوق مردم در حوزه سیاست و اداره امور جامعه و پرهیز از

الگوهای حکومتی استبدادی، اصول و مبانی ارزشی را رعایت کند و بدین ترتیب، نظام اسلامی را از الگوهای سکولار غربی تمیز دهد. برای این منظور، در حکومت اسلامی، روش نوینی مورد توجه قرار گرفته که نه استبدادی و نه لیبرالی است (پرسمان، ۱۳۸۴: شماره ۳۶).

امام خمینی با تأکید بر نقش مردم ایران در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی و ارج نهادن به خواست‌ها و آراء آنان در چهارچوب دین و شریعت در ساختن نظام، نشان دادند که جایگاه و پایگاه مردم در اندیشه مردم‌سالاری دینی نه تنها کم‌رنگ نیست، بلکه در این نوع نظام سیاسی آنچه مهم است خیر و صلاح مردم بر مبنای جهان‌بینی دینی و رستگاری ابدی انسان‌هاست. در این دیدگاه حکومت‌آزایی برای رشد و تکامل انسان است، نه اینکه خود حکومت و مشارکت مردم به عنوان یک هدف باشد. امام خمینی همواره به نقش مردم و محوریت این نقش تأکید داشته‌اند و این سخن صریح و جامع ایشان است که: «میزان رأی ملت است» (آیت‌الله خمینی، ۱۳۵۸: ۱۶۹).

ارائه الگوی مردم‌سالاری دینی حاکی از اهمیت این بحث در گفتمان انقلاب اسلامی بود. بنابراین، وجود یک پایگاه مردمی قوی باعث شده تا انقلاب اسلامی از توطئه‌ها و خرابکاری‌های گوناگونی نظیر شورش‌هایی با محرک خارجی و جنگ تحمیلی هشت‌ساله مصون بماند و پرقدردن به حرکت خود ادامه دهد. بر همین اساس، حمایت‌های مردمی را می‌توان مهم‌ترین و اصلی‌ترین منبع قدرت گفتمان انقلاب اسلامی پس از ایدئولوژی اسلامی دانست. علاوه بر این، امام خمینی (ره) سطوح عناصر تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی را به سطح ملی (جامعه اسلامی) منحصر ندانسته و سطوح فراملی (کشورهای اسلامی) و جهانی (مستضعفان جهان و بشریت) را نیز در این عرصه وارد نموده‌اند. مردم‌سالاری دینی موجب تولید قدرت از طریق پیوند حکومت و مردم شده است؛ به طوری که حکومت با پشتوانه مردمی: حضور در راهپیمایی ۲۲ بهمن، انتخابات‌ها و خنثی کردن فتنه‌های داخلی و خارجی، در عرصه جهانی به مبارزه با سلطه‌جویی قدرت‌های سلطه‌گر می‌رود. همین عامل موجب شد تا عربستان بفهمد که پشتوانه مردمی رمز پیروزی گفتمان جمهوری اسلامی بوده و هست و این عامل مهم دیگری شد تا طبق نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، عربستان به سمت مذاکره کشانده شود. عربستان می‌دانست با پشتوانه مردمی که جمهوری اسلامی دارد در جنگ احتمالی دست برتر را خواهد داشت و شکست عربستان قبل از آغاز جنگ احتمالی، قطعی خواهد بود.

## ۵-۵ - قدرت نظامی

جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که در محیط راهبردی خود، نقش فعال و مستمری را ایفا می‌کند. بسیاری از کارگزاران اجرایی و تحلیلگران موضوعات راهبردی آمریکا همواره از تهدید منطقه‌ای ایران صحبت می‌کنند. آنان بر این اعتقادند که ترکیب موشک و نیروهای متعارف ایران بیشترین حجم تهدیدات امنیتی علیه آمریکا را ایجاد می‌کند. در حقیقت سلاحی که به‌طور راهبردی باعث می‌شود که ایران فرایند دفاع در عمق راهبردی خود را با موفقیت انجام دهد، تجهیز نائبان منطقه‌ای خود به تسلیحات موشکی است. فی‌الواقع در منازعات میان اعراب و اسرائیل در دهه‌های قبل همواره دست برتر در نبردهای نظامی با اسرائیل بود؛ اما از زمان تجهیز این کشورها به موشک و به‌طور دقیق‌تر بازیگران غیردولتی مانند حزب‌الله و... توسط ایران، این کشورها به راحتی می‌توانند در مقابل دشمنان خود مقاومت کنند. در سال‌های اخیر توانایی‌های نظامی و تکنولوژیکی محور مقاومت، چه دولت‌هایی مانند ایران و چه بازیگرانی همانند حزب‌الله، جهاد اسلامی، حماس و گروه‌های شیعی دستخوش تحولی شگرف قرار گرفته است. علاوه بر داشتن موشک‌ها و راکت‌های سطح‌به‌سطح، سامانه‌های موشکی خود را توسعه داده‌اند یا در حال استقرار توانایی‌های تکنولوژیکی پیشرفته به‌عنوان سلاح‌هایی هستند که اسرائیل را مورد هدف قرار بدهند. از جمله مسائلی که این روند را تسریع بخشیده است، وجود فناوری‌های پیشرفته، قابل دسترس و ارزان است که قادر به نصب توانایی‌های دقیق و پیشرفته روی مجموعه‌ای از سلاح‌های تهاجمی مانند موشک‌های بالستیک، موشک‌های کروز، موشک‌های دقیق ساحل به دریا، موشک‌های سطح‌به‌سطح تاکتیکی، راکت‌های سطح‌به‌سطح، پهپادها، بمب‌های هوشمندی که از هوا شلیک می‌شوند و موشک‌های دقیق هدایت‌شونده هستند (Winter, 2020, pp. 69-70). در نتیجه، این پیشرفت‌ها و قدرت نظامی جمهوری اسلامی عامل مهم و تأثیرگذاری شد تا طبق نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، عربستان در جنگ احتمالی توان مقابله با تسلیحات پیشرفته ایران را در خود نبیند و از ترس دچار شدن به سرنوشت عراق در جنگ هشت‌ساله علیه ایران، پای میز مذاکره بیاید.

مجموع صنایع دفاعی جمهوری اسلامی ایران در کنار مابقی مؤلفه‌های گفتار سیاسی



خارجی جمهوری اسلامی ایران، پازلی را ایجاد می‌کند که به هر قدرت سلطه‌گر و یا متخاصم این پیام را می‌رساند که در صورت حمله و یا جنگ قطعاً شکست سختی خواهد خورد. این پیشرفت‌ها و قدرت‌های نظامی جمهوری اسلامی عامل مهم و تأثیرگذاری شد تا طبق نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، عربستان در جنگ احتمالی توان مقابله با تسلیحات پیشرفته ایران را در خود نبیند و از ترس دچار شدن به سرنوشت عراق در جنگ هشت‌ساله علیه ایران، گزینه مذاکرات را انتخاب کند.

### ۵-۶- نگاه به شرق

روابط کشورها معمولاً در سطوح گوناگون منطقه‌ای و بین‌المللی و در حوزه‌های موضوعی مختلف اعم از سیاسی، اقتصادی و امنیتی و به طرفیت‌های متنوع اعم از دوجانبه و چندجانبه صورت می‌پذیرد. از این رو مثلث ایران، روسیه و چین بسیار حائز اهمیت است و همکاری در این مثلث می‌تواند هم در فرمت سه‌جانبه و هم در اشکال دوجانبه صورت بگیرد. امروزه می‌بینیم که چندین زمینه همکاری در این مثلث بین ایران، روسیه و چین شکل گرفته است. این زمینه‌های همکاری از همکاری استراتژیک نظامی و فنی، تا مانور نظامی سه کشور در دریای عمان را شامل می‌شود که همه این‌ها نشانه‌ای از وسعت دامنه همکاری‌ها است. یکی از زمینه‌های همکاری که اکنون رو به گسترش است، تعامل اقتصادی بین سه کشور است که هم در قالب دوجانبه و هم در چارچوب سازمان شانگهای وجود دارد. همچنین بین ایران و روسیه در چارچوب اتحادیه اقتصادی اوراسیا و حتی در پروژه‌های اقتصادی سازمان شانگهای و پروژه چینی یک جاده - یک کمربند فعالیت‌هایی در دستور کار است. همچنین در سال ۲۰۲۱ یک تفاهم‌نامه همکاری راهبردی میان چین و ایران جهت گسترش روابط دو کشور امضا شد. از دیگر زمینه‌های همکاری می‌توان به همکاری سیاسی در خصوص بحران‌های منطقه‌ای اشاره کرد؛ ملاقات چهار وزیر امور خارجه کشورهای ایران، روسیه، پاکستان و چین در سمرقند در ماه آوریل میلادی و گفتگو برای حل بحران افغانستان یکی از نشانه‌های چنین همکاری‌هایی است که کشورهای منطقه و در رأس آنان روسیه، چین و ایران در آن حضور دارند و می‌توانند در خصوص بحران‌های دیگر منطقه و حتی مناطق بزرگتر همکاری داشته باشند (لنا دویانووا، تسنیم: ۱۴۰۲). ایران به نوبه خود، با همسویی فزاینده با چین، سیاست

«نگاه به شرق» خود را با هدف متعادل کردن تحریم‌های آمریکا و تضعیف موقعیت مذاکره‌ای اروپا در مذاکرات متوقف‌شده احیای برجام تسریع کرده است (اودالیانی، ایراس، ۱۴۰۱) و سعی دارد با اتحادها و قراردادهایی مانند موارد مذکور تحریم‌های غربی را بی‌اثر کرده و برای خود تولید قدرت کند. اتحاد راهبردی ایران، چین و روسیه و همکاری‌های گسترده در زمینه‌های اقتصادی و نظامی موجب وحشت عربستان از ایران شده و باعث شده است طبق نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، عربستان تقابل همراه با شکست را با مذاکره و دوستی جایگزین کند و از شکست خود در جنگ احتمالی جلوگیری کند. از طرفی عربستان در حمله روسیه به اوکراین به وضوح مشاهده کرد که آمریکا به‌عنوان یک متحد از اوکراین حمایت چندانی نکرد و اجازه داد آتش جنگ شعله‌ورتر شود. بنابراین عربستان مجبور شد پای میز مذاکره بیاید.

## ۶- سیاست عربستان

در ادراک عربستان، این برهم خوردن تعادل ژئوپولیتیک که با بی‌اعتنایی آمریکا نیز تقویت شده بود، با یک اقدام متوازن هم‌سطح می‌شد. بنابراین ریاض که از مدت‌ها پیش رگه‌هایی از راهبرد تهاجمی خود را در عراق و سوریه برای مقابله با ایران نشان داده بود، به سمت رونمایی از استراتژی تهاجمی در منطقه حرکت کرد که جنگ یمن را می‌توان مبنای این راهبرد دانست. اما آنچه این سیاست را به اوج رساند روی کار آمدن جمهوری خواهان به رهبری ترامپ بود که روابط شخصی را با محمد بن سلمان رقم زد. بن سلمان دلگرم از این حمایت‌ها محاصره قطر را کلید زد و در اظهاراتی تلویزیونی از کشاندن جنگ به داخل ایران خبر داد.

همراهی تمام‌قد با پروژه فشار حداکثری اوج تصاعد بحران در روابط ایران و عربستان را نمایش داد که با سیاست‌های ترامپ، دو طرف را تا مرز تقابل پیش برد. در این میان، رخدادی روی داد که از آن به عنوان یک نقطه عطف در ذهنیت عربستان یاد می‌شود و آن انفجارهای گسترده در تأسیسات نفت آرامکو در تابستان داغ ۲۰۱۹ بود که تولید طلای سیاه برای ریاض را تا هفته‌ها مختل کرد. رخدادی که به تعبیر عبدالعزیز بن سلمان، وزیر انرژی عربستان سعودی، روز سیاه و تاریک در منطقه بود.

از این تاریخ است که شاهد چرخش در سیاست عربستان در قبال ایران و بازگشت از منازعه و تنش فراگیر به مدیریت تنش‌ها هستیم. بی‌میلی ترامپ برای ورود به جنگ با ایران که خواسته هم‌زمان عربستان و اسرائیل در آن مقطع بود، نقش تعیین‌کننده‌ای در بی‌اعتمادی محمد بن سلمان به قرار دادن همه تخم‌مرغ‌های خود در سبد آمریکا داشت.

تیر خلاص این روند نیز با روی کار آمدن بایدن دموکرات و هم‌زمان، تنش‌زدایی‌های فراگیر منطقه‌ای میان ترکیه و عربستان، ایران و امارات، امارات و ترکیه، پایان محاصره قطر و... بود که روند تنش‌زدایی را به یک اضطرار منطقه‌ای تبدیل کرد.

از دید سعودی‌ها، در شرایط کنونی، مهار از طریق مذاکره می‌تواند جایگزین مطلوب‌تری برای مهار از طریق تصاعد بحران باشد. این الگو از این منظر قابل‌توجه است که آثار و نتایج آشتی‌کنان ایران و عربستان بر معادلات و ترتیبات منطقه‌ای نیز تأثیر می‌گذارد و می‌تواند فرایند تنش‌زدایی منطقه‌ای را که با زمزمه‌های بازگشت سوریه به جهان عرب تقویت شده تکمیل کند و یک خروجی معنادارتر را برای پایان دادن به جنگ ۸ ساله در یمن به دست دهد. این مسئله همچنین می‌تواند در فرایند روابط آمریکا و عربستان نیز جلوه‌هایی از موازنه را از سوی عربستان برای گرفتن امتیازات قابل‌توجه‌تر بروز دهد (کرمی، ۱۴۰۲، ۵، ۲۱۸).

امتیازات و انگیزه‌های عربستان سعودی جهت امضای توافقنامه:

- ۱) برقراری امنیت و آرامش در منطقه جهت به اجرا درآوردن سند ۲۰۳۰
- ۲) عربستان سعودی در حال حرکت به سمت یک سیاست بدون مشکل برای پایان دادن به تنش‌های منطقه‌ای موجود و ارتقای منافع و دستاوردهای استراتژیک است؛ مانند سیاست اجراشده در مصر، ترکیه و امارات
- ۳) همکاری و ایجاد اتحاد با کشور چین
- ۴) در امان ماندن از حملات احتمالی کشورهای غربی علیه ایران یا مواضع ایران
- ۵) پایان دادن به جنگ‌های نیابتی با ایران از جمله جنگ یمن
- ۶) جلوگیری از هزینه‌های هنگفت به واسطه رویارویی با ایران
- ۷) بازگشت فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری میان دو کشور
- ۸) برقراری رفت‌وآمد میان دو کشور؛ به‌خصوص حج عمره
- ۹) هماهنگی و همکاری در زمینه نفت و اوپک

۱۰) ایجاد همکاری میان دو کشور در جاده ابریشم چین به اروپا

### نتیجه گیری

رابطه بین ایران و عربستان به عنوان دو ضلع مثلث رهبری جهان اسلام در منطقه غرب آسیا، بعد از انقلاب اسلامی ایران همواره دچار فراز و نشیب بوده است. در طول یک دهه گذشته اتفاقاتی را که مابین دو کشور افتاده می توان به مثابه بازی باخت-باخت تلقی کرد. عربستان از زمان وقوع بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱، رویکرد خصمانه‌ای را در قبال برخی کشورهای منطقه از قبیل سوریه اتخاذ کرد. این رویکرد موجب شد که روابط دو کشور رقیب سنتی، یعنی ایران و عربستان تحت الشعاع قرار گیرد. عربستان به دنبال تجزیه سوریه بود و ایران حامی حفظ تمامیت ارضی آن. به دنبال این کشمکش، اتفاقاتی همچون لشکرکشی عربستان به یمن در سال ۲۰۱۵، حادثه منا در حج سال ۲۰۱۵، اعدام شیخ نمر از سوی عربستان در سال ۲۰۱۶ و اتفاقاتی از این دست از سوی عربستان و تشکیل ائتلاف محور مقاومت به رهبری ایران در راستای حمایت از ملت‌های مظلوم و تمامیت ارضی کشورهای منطقه در چارچوب اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی، باعث شعله‌ورتر شدن دشمنی بین دو کشور و در نهایت قطع رابطه سیاسی بین دو کشور شد. بعد از هفت سال قطع ارتباط، عربستان به این نتیجه رسید که جز ضرر در این ۷ سال منافع دیگری به دست نیاورده است. همچنین، عدم حمایت آمریکا از اوکراین در حمله روسیه به این کشور و از دستن دادن حامی بزرگی چون ترامپ موجب شد تا عربستان اقدامات خود را در راستای افزایش تنش در منطقه کاهش دهد و با برقراری ارتباط سیاسی با ایران و انجام مذاکره، از خطر وقوع جنگ با ایران جلوگیری نماید؛ زیرا طبق نظریه واقع‌گرایی تهاجمی در صورت بروز جنگ احتمالی، امکان پیروزی برایش بسیار کم بود؛ چراکه ایران از طریق تولید قدرت سیاسی، فرهنگی و نظامی و با اتکا به گفتمان انقلاب اسلامی، به تولید قدرت در منطقه پرداخته و سیاست خارجی منطقه‌ای عربستان را با شکست مواجه ساخته بود. از طرفی عربستان جهت اجرای سند ۲۰۳۰ نیازمند برقراری امنیت و صلح در منطقه بود. لذا در ۱۹ اسفند ۱۴۰۱ با واسطه‌گری کشور چین تنش فزاینده میان جمهوری اسلامی و عربستان سعودی طی یک توافق به پایان رسید و بعد از هفت سال و سه ماه روابط دیپلماتیک میان دو کشور برقرار گردید.

## منابع

۱. اودالیانی، امیل. (۱۴۰۱). یک محور نوظهور اورسیایی؟. مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا. قابل دسترس در: وبگاه ایراس.
۲. اشرفی، اکبر. (۱۴۰۱). "گفتن مردم سالاری اسلامی در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای." فصلنامه گفتن سیاست انقلاب اسلامی. شماره ۱.
۳. آقایی، داوود. (۱۳۹۴). سیاست و حکومت در عربستان سعودی. تهران: انتشارات میزان.
۴. ایلغمی، رحیم؛ همکاران. (۱۳۹۸). سناریوهای آینده عربستان در بازآرایی ژئوپلیتیک مطلوب ایران در منطقه. تهران: انتشارات دانشگاه دفاع ملی.
۵. ابولفضلی، حسن. (۱۳۷۹). "امکانات و محدودیت‌ها در اجرای قاعده نفی سلطه بیگانگان." تهران: مجله پگاه حوزه، شماره ۹، بهمن.
۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانش‌آموزان. (۱۴۰۱/۸/۱۱).
۷. بیانات امام خمینی (ره). (۱۳۹۵/۱۱/۱۳). "انقلاب اسلامی، مردم سالاری دینی، مشارکت اجتماعی، عدالت و پیشرفت." قابل دسترس در: وبگاه سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی.
۸. بیانات امام خمینی (ره) در دیدار جمعی از پرسنل نیرو هوایی ارتش. (۱۳۵۸/۳/۲۵).
۹. بیل، جیمز. (۱۳۶۷). جنگ، انقلاب و روحیه: قدرت ایران در جنگ خلیج فارس، بازنشاسی جنبه‌های تجاوز و دفاع. تهران: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع.
۱۰. تاجیک، رسول و همکاران. (۱۴۰۱). "دکترین انتقام سخت، در اندیشه دفاعی آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای، مبانی و مکانیسم." فصلنامه گفتن سیاست انقلاب اسلامی. شماره ۱، زمستان.
۱۱. توحیدفام، محمد. (۱۳۸۱). دولت و دموکراسی. تهران: نشر روزنه.
۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۰). معارف انقلاب: مروری بر دیدگاه‌های حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله العالی) درباره انقلاب اسلامی ایران. (به کوشش: علیرضا مختارپور قهرودی). تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۳. خرمشاد، محمدباقر و همکاران. (۱۳۹۰). بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران در رویکرد نظری. تهران: انتشارات سمت.

۱۴. خاتمی، علی. (۱۳۸۰). *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر: بلاغت.
۱۵. دویانوا، لنا. (۱۴۰۲/۶/۲۵). نشست علمی همکاری‌های اورسیایی ایران و روسیه. قابل دسترسی در: وبگاه خبرگزاری تسنیم.
۱۶. دهشیری، محمدرضا. (۱۳۸۷/۱۱/۱۵). *جایگاه قدرت نرم در انقلاب اسلامی ایران*. قسمت اول. قابل دسترسی در: وبگاه خبرگزاری فارس.
۱۷. رکابیان، رشید، انگزی، رسول. (۱۴۰۰). "تأثیر همگرایی و واگرایی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی بر سیاست خارجی دولت آمریکا در قبال ایران با تأکید بر راهکارهای رسانه‌ای." *پژوهشنامه رسانه بین‌الملل*. شماره ۲، زمستان.
۱۸. زارعی، بهادر، نجفی، سجاد. (۱۳۹۹). "تبیین سناریوهای محتمل پیش‌رو در روابط ایران و عربستان در بازه زمانی ۱۴۰۸." *مطالعات سیاسی جهان اسلام*. شماره ۳۴، تابستان.
۱۹. سریع‌العلم، محمود. (۱۳۷۹). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم/ائتلاف*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۲۰. شهریاری، محمدعلی. (۱۳۹۶). "تحلیل روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در قالب تئوری حرکت‌ها." *فصلنامه مجلس و راهبرد*. ۲۴(۹۲)، ۳۱۰-۲۷۹.
۲۱. شفیعی، صادق و همکاران. "واکاوی روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در دهه نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران." *فصلنامه پژوهش‌های تاریخی علمی*. شماره ۴، زمستان.
۲۲. صارمی، محمد و همکاران. (۱۴۰۱). "تحولات جدید در روابط اعراب و اسرائیل و تأثیر آن بر امنیت هستی‌شناختی جمهوری اسلامی ایران." *فصلنامه گفت‌وگوهای سیاسی انقلاب اسلامی*. شماره ۲، بهار.
۲۳. صادقی، هادی و همکاران. (۱۳۹۴). "مقاله تحلیل روابط ایران و عربستان سعودی از منظر نظریه واقع‌گرایی انگیزشی (۱۳۹۴-۱۳۸۴)." *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*. شماره ۲۵، زمستان.
۲۴. علایی، حسین. (۱۳۹۷). "بررسی رویکردهای سیاسی و رقابت‌جویانه ایران و عربستان و سازوکارهای مهار دشمنی." *پژوهشنامه علوم سیاسی*. شماره ۴، پائیز.

۲۵. کی‌نوش، بنفشه؛ اسکندری، اصغر. (۱۳۹۶). عربستان سعودی دوست یا دشمن؟. تهران: انتشارات زیر.
۲۶. لارتنی، حسن و همکاران. (۱۴۰۱). "واکاوی رویکرد جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه با بهره‌گیری از نظریه مقاومت." فصلنامه گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی. شماره ۱، زمستان.
۲۷. متقی، ابراهیم. (۱۳۸۹). "شاخص‌ها و کارکرد سیاست خارجی تعامل ضد نظام سلطه." فصلنامه راهبرد دفاعی. سال هشتم، شماره ۳۰، پائیز.
۲۸. متقی، ابراهیم. (۱۳۹۰). "بیداری اسلامی و گسترش روح دموکراتیک در خاورمیانه." فصلنامه دیپلماسی صلح عادلانه. شماره ۴، بهار.
۲۹. متقی، ابراهیم؛ رشاد، افسانه. (۱۳۹۰). "زبان سیاسی مقاومت نرم در گسترش بیداری اسلامی در خاورمیانه." فصلنامه راهبرد دفاعی. سال نهم، شماره ۳۳، تابستان.
۳۰. متقی، ابراهیم؛ پوستین‌چی، زهره. (۱۳۹۰). "زبان سیاسی مقاومت اسلامی در سیاست بین‌الملل." فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل. شماره ۱، پائیز.
۳۱. محمدی، منوچهر. (۱۳۸۶). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مسائل. تهران: نشر دادگستر.
۳۲. محمدی، منوچهر. (۱۳۸۷). بازتاب جهانی انقلاب اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۳. موسوی خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۹). صحیفه نور. مجموعه رهنمودهای امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۳۴. میریوسفی، علیرضا. (۱۳۹۴/۷/۲۵). "تبیین نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌جویی در پسابرجام." قابل دسترس در: وبگاه خبرگزاری ایرنا.
۳۵. محمدی، علیرضا. (۱۳۸۴). "مفهوم مردم سالاری دینی." مجله پرسمان. شماره: ۳۶.
۳۶. نای، جوزف. (۸۹/۱۱/۱۱). "احمدی‌نژاد قدرت نرم ایران را در جهان اسلام گسترش داده است." قابل دسترسی در: وبگاه خبرگزاری فارس.
۳۷. نصرالله، حسن. (۱۴۰۰/۲/۲۲). "چرا سیدحسن نصرالله محور مقاومت را قدرتمند توصیف کرد؟." قابل دسترسی در: وبگاه خبرگزاری ایرنا.

38. Rubin, Lawrence. (2010). *A typology of soft power in middle east politics*. available at: [www.dsg.fohmics.net/portals/.../DI\\_WP05\\_Final](http://www.dsg.fohmics.net/portals/.../DI_WP05_Final).
39. Stanley, willis. (2006). *the strategic culture of the Islamic republic of iran*. available at: [www.fas.org/irp/agency/dod/dtra/iran.pdf](http://www.fas.org/irp/agency/dod/dtra/iran.pdf).
40. Winter, Ofir. (2020). *Existential Threat Scenarios to the State of Israel*. TelAviv: Institute for National Security Studies.